

در بافت مفهوم مکان،

پارسیخ به نیاز زمان

طراحی معماری در بافت تاریخی اصفهان

عاطفه کرباسی

(استادیار دانشگاه شهید بهشتی)

علی سلطانی

با مقدمه مهرداد قیومی بیدهندی

سرشناسه	کرباسی، عاطفه، ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور	دریافت مفهوم مکان، پاسخ به نیاز زمان، طراحی معماری در بافت تاریخی / عاطفه کرباسی، علی سلطانی.
مشخصات نشر	تهران، روزنه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص. مصور (بخشی رنگی)
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۵۲-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	واژه نامه.
یادداشت	نمایه.
موضوع	فضا در معماری
شناخت افزوده	سلطانی، علی، ۱۳۵۷-
بندی کتبه	NA۳۷۶۵/۴۶۴ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	۷۲۰/۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۸۹۶۴۱۱



دریافت مفهوم مکان، پاسخ به نیاز زمان

طراحی معماری دریافت تاریخی اصفهان

عاطفه کرباسی، علی سلطانی

نقشه روی جلد برگرفته از: اردلان و بختیار، حسن، عدت

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: شادرنگ

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۷۳۰ - ۸۸۸۵۳۶۳۱ ☎️ شماره: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۵۲-۵ ISBN. 978-964-334-552-5

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

۹	تقریظ
۱۵	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۳	فهرست تصاویر
۲۹	فصل یکم، دریافت مفهوم تاریخی مکان
۹۱	فصل دوم، دریافت مفهوم اجتماعی مکان
۹۹	فصل سوم، دریافت مفهوم کالبدی مکان
۱۲۷	فصل چهارم، طرح‌های بالادست حاکم بر مکان
۱۳۶	فصل پنجم، پاسخ به نیاز زمان
۱۵۱	فصل ششم، انگاره‌های نخستین
۱۶۹	فصل هفتم، باغ‌خانه مردم
۱۹۱	منابع و مأخذ
۱۹۵	نمایه
۱۹۸	واژه‌نامه

تقریظ

زوال در نهاد آثار معماری است. هر لحظه و هر روز و هر سال که بر بنایی می‌گذرد، آن را بسوی تاریکی می‌برد. این خاص آثار معماری نیست، بلکه مرگ و زوال در نهاد دیانت انسان‌ها نفس می‌کشند تا زنده بمانند، غافل از اینکه هر نفس در همان حال که مُمدّ حیات است، انسان را گام‌هایی به مرگ نزدیک‌تر می‌داند. همه چیز در این دنیا حامل مرگ و زوال خود است. هر خاندانی که بر این زمین، از همان نخستین آجرهایی که بر هم می‌نهیم به سوی نابودی می‌رود، نابودی و دگرگونی چیزی نیست که به این دنیا افزوده باشند؛ چیزی نیست که بتوان آن را بازداشت. از این بالاتر، دگرگونی منحصر به امور مادی نیست. هر چیز معنوی هم که پیوندی با ماده داشته باشد، از حیث آن پیوند، در معرض زوال و تبدل است. معناها پیوسته دگرگون می‌شوند و کالبدهای تازه می‌جویند؛ کالبد‌ها معنایی را بر نمی‌تابند و متبدل می‌شوند؛ کالبد‌های نو معنا‌های تازه می‌آورند و می‌خواهند.

مرگ آن‌چنان در دنیا و دنیاوی تنیده و در آن حلول کرده است که در مرگ هر چیز، تمیز دادن علت مرگ از دلیل مرگ ناممکن یا دشوار است. مرگ زمان می‌خواهد تا رفته‌رفته خود را در چیزی عیان کند و آن‌قدر بزرگ و قوی و آشکار شود که یکسره بر آن چیز چیره گردد. فرسودگی و پیری چیزها یعنی برآمدن و آشکار شدن مرگ. در

۱. نَقْشُ الْمَرْءِ خُطَاؤُهُ إِلَىٰ أَجَلِهِ (هر نفس انسان گام‌های اوست به سوی مرگش): نهج البلاغه.

ساخته‌های انسان، در آثار معماری نیز مرگ کم‌کم می‌بالد و برمی‌آید تا آن اثر را یکسره نابود می‌کند؛ چه نابودی در جسم، و چه در جان. تبدیل آثار هم از قبیل مرگ است؛ مرگ از حالتی و درآمدن به حالتی دیگر. آثار معماری یا یکسره از میان می‌روند و به خاک برمی‌گردند، یا صورت آنها متبدل می‌شود، یا صورت آنها می‌ماند و جانشان دگرگون می‌شود. در همه اینها، از حالتی می‌میرند و به حالتی دیگر می‌زایند. معماری آئینه آشکار عالم کون و فساد است.^۱

انسان‌ها هزاران سال در این دنیا ساخته‌اند. اگر از مرگ خود غافل برآند و خود را و آثار خود را جاوید انگاشته‌اند، باری مرگ دیگران و آثارشان را بارها دیده‌اند. بسیاری از هزاران‌هزار بنایی که انسان‌ها بر جای کرده‌اند، بر جای بناهایی دیگر بوده است که یا خود، آنها را ویران کرده‌اند یا جای‌ها و کسان دیگر. بناها در طی زمان ویران شده‌اند و ویران می‌شوند؛ فسیل‌های طبیعی، زلزله و سیل، جنگ، کین،...، نو شدن خواسته‌ها، نیازها، افزایش جمعیت، دگرگونی عقاید و روابط، و ده‌ها عامل دیگر عامل‌های انسانی و غیر انسانی دخیل در ویرانی و تبدیل آثار معماری هستند. از آن‌ها همواره بناهای ویران را دیده‌اند و بر جای آنها بناهایی ساخته‌اند. اگر بنا، از روی صرفه‌ای مادی یا معنوی، شایسته تعمیر شمرده‌اند، آن را ترمیم کرده و بر عمرش افزوده‌اند. اگر در بنایی نیکویی و زیبایی یافته‌اند، گاهی در آنه‌ها دست‌انداخته‌اند؛ اما تا پیش از روزگار جدید، هرگز نگه‌داشته‌اند بناهای گذشته از آن حیث که متعلق به پیش از روزگار ماست به خودی خود وجهت نداشته است. انسان‌ها بر اثر زیست مستمر در مکانی و فهمی که از آن مکان به دست می‌آوردند، بر اثر پایداری نسبی در خواسته‌ها و در نسبت خواسته‌هایشان با محیط، و همه دستاوردهای حاصل تعامل ایشان با محیط که «فرهنگ» خوانده می‌شود، معماری می‌کردند. این استمرار

۱. اِنَّ لِلّٰهِ مَلَكًا يُنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ: اِيْدُوا لِلْمَوْتِ وَاجْمَعُوا لِلْفَنَاءِ وَابْتُلُوا لِلْعَرَبِ... (خدای و فرشته‌ای است که هر روز ندا درمی‌دهد: بپازید از بهر مردن و گرد آورید از بهر نابودن و بسازید از بهر ویران گشتن). نهج البلاغه.

نسبی به آنها سلیقه کمابیش مشترک و فهم مشترک و زبان مشترک در ساختن می‌داد. بینش‌ها و دانش‌ها و مهارت‌های ساختن که بناهایی کارآمد و استوار و زیبا فراهم می‌آورد، نسل به نسل منتقل می‌شد. بناها را برای مقصودهایی می‌ساختند. اگر در عصری دیگر، آن مقصود باقی بود، بنا را نگه می‌داشتند یا بنایی دیگر را که مناسبت بیشتری با آن مقصود داشت بر روی آن یا در جایی دیگر می‌ساختند. ای بسا بنای دوم که بهتر از بنای قبل بود. کسی ترسی نداشت که با از میان رفتن بنایی و شهری که گذشتگان بنا کرده بودند، شبکه‌ای از فهم و سلیقه و دانش و مهارت از بین برود؛ زیرا حامل آن شبکه‌های زنده و پیچیده فهم و سلیقه و دانش و مهارت، خود انسان‌ها بودند؛ چه معماران و چه دیگران. عقل انسان‌ها به ایشان می‌گفت که بینش و دانش برای زیستن و ساختن در هر محیط در طی سالیان و روزاران به دست می‌آید. آنچه ویرانگر است پشت کردن به بینش و دانش گذشتگان است، نه نوآوری و نه ویران کردن و ویران شدن بناها.

پس از هزاران سال ساختن و ساختن و ویران کردن و ساختن، انفجار ناشی از انقلاب صنعتی بسیاری از تاروپودهای ساخت و بینش و دانش و مهارت زیستن و ساختن را از میان برد. در پی آن، نه‌سین ر در آغاز سده بیستم بود که گروهی از انسان‌ها به این خیال افتادند که معماری بهتر در گرو پشت کردن به تجربه اندوخته هزاران ساله است به این خیال افتادند که می‌شود از نو، بی‌توجه به پایه‌ها و سابقه‌های مکانی و قومی و فرهنگی، معماری‌ای پدید آورد که در همه جای جهان به یکسان کارآمد و زیبا باشد. چنین پندار متکبرانه‌ای از آن «جنبش مدرن» در معماری بود. نیازهای تازه برآمده از زندگی جدید درونی و بیرونی انسان‌ها را به تغییر می‌خواند و وامی‌داشت؛ تغییری که ناگزیر دامن معماری را می‌گرفت؛ اما یگانه پاسخ به آن پاسخی نبود که جنبش

مدرن پیش نهاد. پاسخ جنبش مدرن به این نیازها نه نشستن بر دوش تجربه‌های هزاران ساله و توجه کردن به نیازهای هر فرهنگ و مکان، بلکه چاره‌های یکسان جهانی بود. مدرنیته و جاهت عقل را جانشین و جاهت محض مرده‌ریگ گذشته می‌کرد؛ اما عقل انسانی، اگر درست در کار می‌شد، چاره را در نظر کردن به تجربه‌های پیشین معماری برای خواسته‌های نو می‌جست. جنبش مدرن این گرسنگی عقلانی را با خوراک‌های دروغین فرونشاند. این چنین شد که آتشی که با انقلاب صنعتی در دستاوردهای معماری انسان در همه جهان در گرفته بود، با جنبش معماری صورت و دامنه‌ای دیگر یافت و تقلیدهای خوب بد از الگوهای معماری مکتب بین‌المللی از خاکستر داشته‌های معماری انسان رست. حال دیگر آن شبکه زنده و پویای فهم و سلیقه و زبان و شنل و دانش و مهارت ناشی از زیستن مستمر در مکان‌ها و محیط‌ها هم از دست رفته بود. انسان‌ها وقتی که به خود نگر بستند و در حریق خواسته ساخته و خودخواسته نظر کردند، دانستند که چطور پیوندهای دانش و بینش خود در تعامل با زمین را گسسته‌اند. فهمیدند که دیگر زبان و اندیشه مشترک معماری در سینه مردم و معماران و شاگردان معماران نیست یا بسیار نادر است. بناها و شهرهای گذشته تقریباً تنها حاملان سازوکارها، معماری و تجربه‌های معماری انسان هستند؛ سازوکارهایی که محیط‌ها مکان‌هایی برای آسودن جسم و جان انسان را در اختیار او می‌گذاشتند.

انسان مدرن با همه تفاوت‌هایی که در ذات فردی و اجتماعی، درونی و بیرونی‌اش با انسان نامدرن دارد، همچنان انسان است. صدها دلیل هست بر اینکه شباهت‌های ما با انسان‌های پیش از این روزگار به مراتب بیش از تفاوت‌هایمان است. ما همچنان از بناها و شهرهای پیش از این روزگار لذت می‌بریم و از پیرشانی حاصل از زیستن در

بناهای آشفته و بی‌روح و هوسناک امروزی آزرده می‌شویم. می‌توانیم از تجربه انسان‌های گذشته، در هر مکان و قوم و فرهنگ، بهره بگیریم. بر دوش آنان بنشینیم و سازوکارهای تعامل با زمین را از معماری گذشته بیاموزیم، آن را با فهم و نیاز امروزی تنظیم کنیم و سازوکارهای نو برای زیستن امروز بیابیم، و معماری‌ای بهتر برای آسایش جسم و جان انسان‌ها پیدا آوریم. این کار نیاز به خواندن و اندیشیدن و پژوهیدن و مشق کردن و آزمودن و ساختن است.

کتاب حاضر گزارش می‌مورد راه طراحی با چنین نگاهی به گذشته و با توجه به نیازهای امروز است. نتیجه تمرینی است برای طراحی امروزی با فهم دستاوردهای تاریخی، نزدنگان می‌دانند مکانی که می‌خواهند در آن دست ببرند و آن را برای انسان امروز دگرگون کنند و بسازند حامل سخن‌هایی است؛ سخن‌هایی که در طی صدها سال در جزء و کل آنها نهفته و ناگفته مانده است. کرسیده‌اند مکان را به سخن درآوردند و آن سخن را بشنوند؛ نیازهای ایرانی و امپهانی امروزی را بشناسند و آنها را، با توجه به سخن‌ها و استعدادهای مکان، در طرح خود برآورده کنند. چنان‌که خود در پایان کتاب گفته‌اند، آنچه در این کتاب مهم‌تر است نه محصول طراحی آن، بلکه مسیری است که بران آن برگزیده و می‌موده‌اند. از این رو است که این کتاب، به منزله گزارشی سیر در این مسیر، خواندنی و آموختنی است.

مهرداد قیومی بیدهندی

تهران، دانشگاه شهید بهشتی

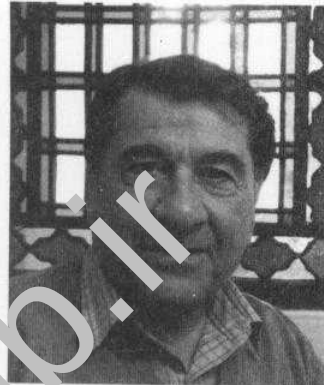
تیر ۱۳۹۴

پیشگفتار

کتاب حاضر محصول تحقیقی است که قدم‌های نخستین آن، با هدایت استادان گران قدر، دکتر باقر باقی‌آبادی، دانشیار و مهندس احمد منتظر، در دانشگاه هنر اصفهان (دانشکده هنر و معماری سابق دانشگاه هنر تهران) شکل گرفت. اینک پس از گذشت حدود ده سال، در حالی که برخورد با بافت‌های تاریخی و مستندسازی مدارک، بوم به بناها و مکان‌های تاریخی در جهان و در کشور ما همچنان موضوعی مهم و زنده است، تجربه مذکور در قالب کتابی تکمیل شده است و در سیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

کتاب برای چند دسته از مخاطبان نگاشته شده است. دست‌آوردان بافت‌ها و بناهای تاریخی و مشخصاً آنان که به اصفهان می‌رویم. مستندات تاریخی آن علاقه‌مندان، دانشجویان معماری که مسائل برنامه‌ریزی، طراحی منظر و معماری در بافت‌های تاریخی برایشان اهمیت دارد، دست‌اندرکاران اجرایی شهرهای تاریخی که پروژه‌های فراوانی از جنس دخالت و طراحی در بافت‌های تاریخی را راهبری می‌کنند و طراحان مستقلی که به فرایند مطالعه و برنامه‌ریزی و طراحی پروژه‌هایی از این دست مشغول و مایل به ملاحظه تجربه‌های دیگرانند. نخستین قدم‌های تحقیق، بخش‌های فراوانی در برداشت که در کتاب حاضر حذف شدند و جای خود را به مباحثی کاربردی‌تر دادند، چنان‌که

بخش‌هایی چون معرفی و تحلیل انواع رویکردهای نظری برخورد با بافت‌های تاریخی، مطالعه نمونه‌های موجود از انواع گوناگون این برخورد در طول تاریخ و عرض جغرافیا، تا مباحث مربوط به مطالعات اقلیمی و جمعیتی و الزامات معماری حاصل از آن در طراحی دخیل بود؛ اما در کتاب حاضر آورده نشد. در عوض، معرفی و تحلیل مستندات تاریخی و معاصر مربوط به میدان نقش جهان و بستر طراحی در جنوب میدان، پشت گنبد مسجد جامع عباسی، در محوطه باغ موسوم به «زره‌سازان»، و توضیحات مربوط به نحوه شکل‌گیری برنامه رانده‌های طراحانه و تبدیل آن به طرح نهایی، با تفصیل و دقتی بیشتر در کتاب حاضر نگاشته شد.



دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی.

این‌جا که تحقیق با هدایت دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، از صاحب‌نامان برنامه‌ریزی و طراحی در بافت‌های تاریخی انجام شد و تعامل نگارندگان با ایشان سرات ابل و رجهی از ایشان را به دست داد که شاید تا به حال در منبعی محتوب شده باشد، نیک آن بود که تا حد امکان این نظرات احصا و در کتاب حاضر معرفی شود. از دیگر سو، در سال‌های نزدیک به چاپ این کتاب، محبت پشت مسجد جامع عباسی، طی اقداماتی کلان تغییرات فراوانی کرد. مستندات و مدارک مربوط به وضع پیش از تغییر مکان، گویا آخرین مدارکی است که از نمایای بخش‌هایی از بافت کالبدی و طبیعی ارزشمند آنجا باقی مانده و در این مدارک، دست‌کم از باب ثبت و حفظ آن در اوراق کاغذ ارزشمند است.



مهندس احمد منتظر.

با توجه به زمان مستندسازی، بسیاری عکس‌ها با دوربین آنالوگ تهیه شده‌اند و مسائل خاص این تصاویر، همچون تغییر نور عکس‌های پانوراما را در خود دارند. نحوه ارائه طرح نهایی نیز ترکیبی از ارائه دستی و رایانه‌ای است که می‌تواند جالب توجه باشد. تصویرها با نقل مأخذ یا عکاس است و هر جا نامی آورده نشده است نگارندگان آن

را تهیه کرده‌اند. مهندس روح‌الله مجتهدزاده و مهندس محمد اخلاصی در تدوین بخشی از مطالعات و تهیه برخی تصویرها کمک‌های فراوانی کردند که از آنها تشکر می‌کنیم و همین‌طور از مدیریت محترم انتشارات روزنه، آقای سید علیرضا بهشتی و آقای آرش بهشتی که نهایت همکاری را در آماده‌سازی و چاپ کتاب داشتند، متشکریم. همچنین سپاس خود را از دکتر مهرداد قیومی بیدهندی تقدیم می‌کنیم که از ابتدا با پیشنهاد چاپ کتاب به دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی تا به امروز که چاپ کتاب تحقق یافته است، هیچ‌گونه تشویق و راهنمایی فروگذار نکردند.

در پایان، با احترام به شوالر استاد عزیز، دکتر شیرازی، به اصفهان و میدان نقش‌جهان، کتاب را مژده ایشان است. نخستین قدم‌های کتاب حاضر نیز در زمان حیات و تحت نظارت هدایت ایشان انجام شد.^۱ کتاب همچنین وامدار شهر زیبای اصفهان، میدان خاطره‌انگیز نقش‌جهان و دانشکده معماری ما در مجاورت آن، مسجده پشت مسجد جامع عباسی و تمامی مردمان خوب آنجاست که اوقات زیادی از بهترین ایام زندگی‌مان در مؤنست با این جای‌ها و مردمان نهاده‌اند. باشد که گوشه‌ای از دینمان به دانشکده‌ای که هفت سال، «پردیس» و در مجاور میدان نقش‌جهان بود، ادا شود. در نهایت، امیدواریم به یاد خداوند مهربان، این کتاب قدم کوچکی باشد در راه حفظ بافت‌های ارزشمند تاریخی و به تعبیر دکتر شیرازی، «برخوردی» «زنده و شاداب و معقول» با آن؛ ایدون باد.

email: atf.karbasi@gmail.com

a_karbasi@sbu.ac.ir

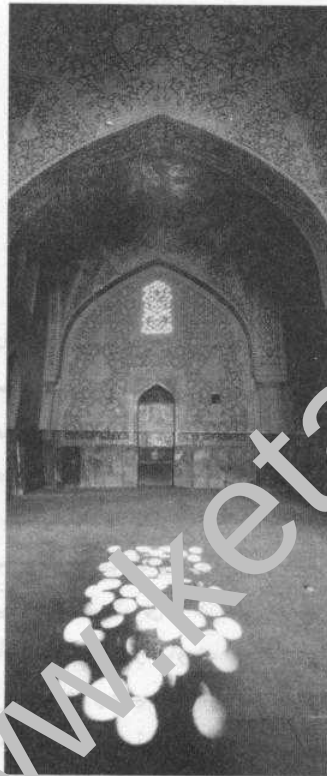
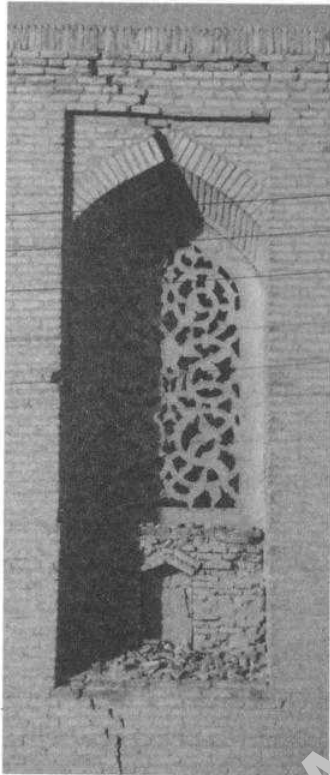
عاطفه کرباسی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

علی سلطانی

پاییز ۱۳۹۴

مقدمه

موضوع مطالعه و طراحی در این کتاب، تصمیم‌گیری طراحانه در باب عرصه‌ای وسیع؛ پشت درب مسجد جامع عباسی در شهر اصفهان است که در دل خود «باغ زره‌سازان» را جای داده است و خاطرات مبهمی از گذشته را در خود پنهان دارد. این عرصه از شمال به مسجد جامع عباسی، از شرق به محور حسن آباد، از غرب به خیابان استانداری و از جنوب به مادی فرشادی می‌رسد. نقشه کامل مجموعه را همراه با مکان‌ها و معابر در صفحه ۱۰۰ قابل ملاحظه است. برای تصمیم‌گیری طراحی در این بافت با ارزش ابتدا می‌بایست مؤلفه‌های مهم مکان را کاوید. این کاویدن از جوانب گوناگون تاریخی، اجتماعی، کالبدی و طبیعی، «دانش مفهوم مکان» نامیده شده است. کتاب ابتدا با اتکا به منابع نوشتاری و شفاهی و نیز تاریخ شفاهی، به جست‌وجو در گذشته تاریخی بستر کلان طراحی در میدان نقش جهان و محوطه جنوب میدان یعنی پشت مسجد جامع عباسی می‌پردازد. سپس در معرفی دقیق‌تری از وضعیت کالبدی و طبیعی بستر طراحی، بر معابر و بناهای تاریخی ارزشمند، از جمله خانه‌های قابل حفظ و عناصر طبیعی مکان، تحقیقی میدانی و دقیق‌تر می‌کند. مطالعه اجتماعی در بستر طراحی، در تأیید و تکمیل مطالعات تاریخی و کالبدی مبنی بر ارزشمند بودن مکان و پر بودن آن از پتانسیل‌ها، نشان می‌دهد محله پشت مسجد از نظر اجتماعی نیز کانونی قابل توجه بوده است و هنوز



نوری که به درون شبستان‌های مسجد از سمت قبله می‌ریزد، حاصل گشایش دیوار پشت مسجد است که در پس آن معبری کم‌عرض و سپس باغی وسیع قرار دارد؛ باغی به نام باغ زره‌سازان. دیوار پشت مسجد رو به این باغ است. دیواری که در پس خود، خبری از درون مسجد نمی‌دهد مگر نقش‌ونگاری آجری از طرح اسلیمی که نور را به درون مسجد فرامی‌خواند.

سایه‌هایی از عملکرد گذشته خود بر دل خانه‌های باقی‌مانده از امامان جمعه مسجد جامع عباسی یا نوادگان سران پادشاهان محفوظ دارد که به آن هویتی خاص و قدرتمند و قابل تداوم می‌بخشد.

در ادامه، کتاب مروری کوتاه بر طرح‌های بالادست گوناگونی دارد که از ابتدا تا حدود سال ۱۳۸۵ بر بافت تاریخی اصفهان و بستر طراحی حاکم بوده‌اند و از دل طرح‌های مذکور، نکات مثبت را می‌پذیرد و تلاش می‌کند آنها را به عرصه طراحی خود بکشد. در این راستا، مجموعه اقداماتی که

توسط جمعی از صاحب‌نظران بافت‌های تاریخی، از جمله باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و احمد منتظر، طی یک طرح جامع نانوشته بر بستر طراحی انجام گرفته است، نقطه اقتدای اصلی طراحی حاضر است.

بدین ترتیب، به پشتوانه دریافت مفهوم مکان، با تکیه بر وضعیت تاریخی، کالبدی، اجتماعی و طبیعی بستر طراحی، از گذشته‌های دور تاکنون، و با توجه به اینکه در شهرهای امروز، یکی از معضلات بزرگ زندگی انسان‌ها، در ماندنشان از هم و نداشتن ارتباطات چهره‌به‌چهره در مکان‌هایی واقعی است، برنامه‌آوردی طرح در «پاسخ به نیاز زمان» در انداخته می‌شود. برنامه‌چنان است که هم بتواند محله و عرصه مهم میدان نقش جهان را به جایگاهی فراموش‌ناشدنی و شایسته آن نزدیک کند و هم یک بار دیگر، آن را به مکانی مناسب برای ارتباطات واقعی آدمیان و حرکت پویای آنان در دل بافت و در لابه‌لای عناصر مهم و ارزشمند خرد و کلان در بستر طراحی تبدیل سازد.

در تمامی این گام‌ها، تلاش بر آن است که ضمن مساهمات، سازی و معرفی اطلاعات ارزشمند در باب مکان طراحی، بایدها و نبایدهایی که از جنس برنامه‌ریزی و هم از جنس طراحی، با دقت در «مکان طرح» و در زمان طرح» به دست آید؛ از مباحثی همچون چستی عملکرد یا چسبندگی جاری در طرح، جای‌هایی که باید طراحی شوند و جای‌هایی که باید از طراحی پاک شوند و آزاد بمانند، میزان بارگذاری در مجموعه، نحوه توزیع عملکردها، تا مباحثی در باب جهت و راستای قرارگیری عناصر طراحی‌شده جدید، معرفی عناصر کالبدی و طبیعی قابل حفظ در مکان طراحی و چگونگی سیمای نهایی طرح جدید.

در پایان، دستمایه‌های طراحی، در طرحی شهری - معماری تحقق می‌یابد. این طرح در رفاقت با عملکرد گذشته محله و کالبد آن، از جمله باقی‌مانده‌های باغ زره‌سازان، عناصر طبیعی و خانه‌های ارزشمند تاریخی

موجود در بستر، دیواره‌ها و ساباط‌ها و عناصر طبیعی خاطره‌انگیزی که در جای‌جای بستر طراحی حضور داشته یا دارند، با در بر داشتن سایه‌ای از زندگی و عملکرد جاری در گذشته آن، شکل می‌گیرد و نمایشی از پیوند شاداب میان قدیم و جدید را، در دو بُعد کالبد و زندگی، عرضه می‌کند. این تجربه گویای آن است که برنامه و طرح می‌تواند از دل مکان و زمان آن برآید و معماری را در آشتی با مکان و زندگی جاری در آن، بر زمینه‌اش بنشاند.